

«موسیقی ذاتی»

LA MUSIQUE
CONCRETE

سرفتها و کشفیات علمی، سه سیر تحولات موسیقی

بخش «مباحث

مقاله‌ای که در شماره سوم مجله موسیقی به «موسیقی ذاتی» (Musique Concrète) تخصص یافته بود همچنانکه انتظار میرفت مورد توجه خاص عده‌ای از خوانندگان قرار گرفت. قصد ما از انتشار آن مقاله این بود که هنر و شیوه نوظهوری را که به «موسیقی ذاتی» شهرت یافته است بخوانندگان خود بشناسانیم و در این مورد - بشیوه معمول بخش «مباحث و نظریات جدید» - تا آنجا که مقدور است از اظهار نظر و عقیده شخصی خود اجتناب ورزیم.

مقاله حاضر که در حقیقت دنباله و مکمل مقاله گذشته است در باره پرسش‌ها و تذکراتی گفتگو خواهد نمود که از جانب تنی چند از خوانندگان (و منجمله آقای مهندس مسعود مالکی) رسیده است ولی از آنجا که «موسیقی ذاتی» جوان تر از آنست که بتوان در باره آن قضاوت و اظهار نظر قطعی نمود بالطبع مطالب این مقاله را باید صرفاً نظریات شخصی نویسنده آن دانست و بس. *سازمان اسناد و مطالعات فرهنگی*

در مقاله گذشته گفتیم که «موسیقی ذاتی» همه صداها و اصوات موجود در طبیعت را همچون مواد اولیه بکسار میبرد و در اینمورد با اصوات دوازده گانه گام کرمانیک اکتفا نمیکند. این نکته را هم گفتیم که در «موسیقی ذاتی» صداها و اصوات را بکمک وسایل و تمهیدات علمی و فنی متعدد، تجزیه و ترکیب مینمایند و نوسانات و طنین آنها را تغییر میدهند؛ «موسیقی» و صداهائی که بدین ترتیب فراهم می‌آید کاملاً بکر و ناشنیده است و در طبیعت معادلی ندارد.

اطلاق لفظ «موسیقی» باین هنر جدید ظاهراً - ولی بخطا - بيمورد بنظر میرسد و این نکته اولین موضوع بحث ما میباشد:

یکی از معمول‌ترین تعریف‌هایی که زیبایی‌شناسان از موسیقی کرده‌اند اینست که «موسیقی نظم و تشکیلاتیست که اصوات (Sons) در جهات توالی و تسلسل (ملودی)، تجمع و ترکیب (آرمونی)، مدت زمان و کشش (وزن) و طنین و زنگ صداهای خود پیدامیکنند». بنا بر این تعریف، «موسیقی ذاتی» را در وهله اول نمیتوان «موسیقی» شمرد زیرا حدود مواد اولیه آن بحدود اصوات محدود نیست بلکه هر نوع صدا (Bruit) قابل تصویری را در خود جای میدهد ولی این صداها، در «موسیقی ذاتی» هم، بنا بر اصول ساختمان وزنی (ریتمیک) و ترکیباتی که نسبت به علم ترکیب اصوات (آرمونی) بیگانه نیستند ترتیب و تنظیم میشوند، طنین و «تمبر» آنها مورد توجه است و جنبه «ملودیک» نسبتاً مشخصی ایجاد می‌کنند. بنا بر این نحوه عمل یک سازنده «موسیقی ذاتی» با طرز کار یک نفر آهنگساز دیگر اختلافی ندارد و مسائلی که وی با آن روبروست اساساً همان مسائلیست که در برابر آهنگسازان دیگر خود نمائی میکند. فراموش نکنیم که فن آهنگسازی در زبانهای غربی «ترکیب» (Gomposition) خوانده میشود و آهنگساز-ترکیب کننده (Compositeur) کسی است که عناصر و عوامل متعدد و مختلفی را بصورت اثری واحد و متوازن «ترکیب» میکند.

بهر حال، «موسیقی ذاتی» را نباید سبکی جدید در موسیقی دانست بلکه باید آنرا نوع و شکل جدیدی از موسیقی شمرد و اگر بهتر بگوئیم «هنر صوتی» و وسیله بیان هنری تازه‌ای تلقی کرد.

و اما در باره اینکه «... آیا در آینده از موسیقی ذاتی در سینما و تئاتر و اپرا استفاده خواهند کرد...» - که از ما سؤال شده است - باید دانست که در این مورد «موسیقی ذاتی» تا کنون بصورت بسیار موفقیت آمیزی امتحان خود را داده است بدین معنی که فیلمهای متعددی ساخته شده که موسیقی آن را از میان آثار «موسیقی ذاتی» انتخاب کرده‌اند. گذشته از این بر روی «سنفنی برای یک مرد تنها» که از آثار مهم «موسیقی ذاتی» است «باله» ای ترتیب داده‌اند که موفقیتی قابل توجه یافته است. در زمینه اپرا نیز آزمایش‌هایی بعمل آمده و از طرف دیگر رئیس اپرای پاریس اخیراً اعلام داشت که بر روی صحنه جدیدی که بنام «صحنه آزمایشی» در آن اپرا تأسیس و دائر خواهد شد آثاری از «موسیقی ذاتی» نیز اجرا خواهد گردید. اخیراً بکمک «شورای بین‌المللی موسیقی» وابسته باونسکو، و برای نخستین بار دو صفحه ۳۳ دوری شامل ۱۵ قطعه از آثار «موسیقی ذاتی» تهیه شده و بیازار آمده است.



« ساز » های « موسیقی ذاتی »

« فونوژن » (Phonogène) که از آلاتیست که بخصوص برای « موسیقی ذاتی » ساخته شده است میتواند نوار ضبط صوت را سرعت های مختلفی بحرکت درآورد و بوسیله آن میتوان زیر و بمی ، سرعت و مدت کشش و وزن يك جمله موسیقی یا صوت را دگرگونه ساخت . دو نوع « فونوژن » ساخته اند : « فونوژن باکولیس » و « فونوژن کرماتیک » . نوع اخیر بوسیله « کلاویه » و مضرا بهای شبیه به پیانو بکار می افتد . عکس بالا یکی از سازندگان « موسیقی ذاتی » را در حالیکه با « فونوژن کرماتیک » مشغول کار است نشان میدهد . در طرف راستوی « فونوژن باکولیس » و در طرف چپ « غربال » یا « صافی » صوتی دیده میشود . دستگاه ضبط صوت سه حلقه ای (عکس پائین) بوسیله آن میتوان سه نوار مختلف را که هر کدام بخشی متفاوت از يك اثر « ذاتی » را در بردارند ، در عين حال بحرکت درآورد و بعبارت دیگر « کنتربوان » های « موسیقی ذاتی » ایجاد کرد . .

